

سفر معاون وزیر خار جه عربستان به تهران



روابط عمومی وزارت امور خارجه از سفر سعود بن محمد الساطی معاون سیاسی وزارت امور خارجه عربستان سعودی به تهران خبر داد.

به گزارش ایسنا، سفر معاون سیاسی وزارت امور خارجه عربستان به تهران در ادامه مشورت‌های دیپلماتیک بین دو کشور و با هدف رایزنی در مورد روابط دوجانبه و تبادل نظر درباره تحولات منطقه‌ای از جمله وضعیت فلسطین اشغالی، لبنان و سوریه، انجام می‌شود.

دیدار با وزیر امور خارجه نیز در برنامه این سفر قرار دارد.

وحشت اسرائیل از ورود جنگنده‌های چینی به مصر



یک روزنامه عبری زیان از نگرانی رژیم صهیونیستی نسبت به تقویت توان نظامی کشور مصر خبر داد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از معا، روزنامه عبری زبان معاریو گزارش داد که ورود جنگنده‌های چینی به مصر طی ماه‌های گذشته باعث ایجاد نگرانی در رژیم صهیونیستی و بررسی اوضاع امنیتی به ویژه ادعای برتری هوایی این رژیم در منطقه شده است. همچنین گزارش شده که رادارهای اسرائیلی و آمریکایی این جنگنده‌ها را رصد نکرده‌اند.

در این گزارش آمده است، رژیم صهیونیستی از تقویت توان نظامی مصر وحشت دارد. این کشور به دنبال خرید جنگنده‌های نسل پنجم طی سال‌های گذشته بوده است و احتمال همکاری با روسیه، چین، کره جنوبی و ترکیه در زمینه‌های نظامی از جمله ساخت داخلی یا ساخت مشترک تجهیزات وجود دارد.

در ادامه این گزارش تاکید شده است، هدف مصر محافظت از توان راهبردی و عدم تکیه بر تنها یک قدرت است. این روند از سال ۲۰۱۵ در مصر آغاز شده و تجهیزات پدافند هوایی از آمریکا، روسیه و چین خریداری شده است. قدرت دریایی مصر نیز با اضافه کردن زیر دریایی‌ها و ناوهای جدید تقویت شده است. علاوه بر آن، مصر به تازگی سه جنگنده فرانسوی رافائل را تحویل گرفته است.

خافکیری مسئولان آمریکایی نسبت به اقدام ترامپ علیه ونزوئلا

خبرگزاری رویترز مدعی شد که مسئولان آمریکایی نسبت به اقدام ترامپ در قبال ونزوئلا خافکیر شدند.

به گزارش خبرگزاری مهر، خبرگزاری رویترز مدعی شد که مسئولان آمریکایی از اقدام دونالد ترامپ رئیس جمهور این کشور در بسته اعلام کردن حریم هوایی ونزوئلا خافگیر شدند چرا که هیچ اطلاعی از عملیات نظامی این کشور علیه ونزوئلا و لزوم بسته شدن حریم هوایی این کشور نداشتند. روز گذشته دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که تمام حریم هوایی بر فراز و اطراف ونزوئلا تا اطلاع بعدی بسته خواهد شد.

خبرگزاری فرانسه به نقل از رئیس جمهور آمریکا بهانه این اقدام خصمانه را چنین توصیف کرد: خطوط هوایی، قاچاقچیان مواد مخدر و قاچاقچیان انسان باید حریم هوایی ونزوئلا را کاملاً بسته بدانند!

از سپتامبر تاکنون، نیروهای آمریکایی بیش از ۲۰ قایق را که ادعا می‌شود برای قاچاق مواد مخدر در دریای کارائیب و شرق قایانوس آرام استفاده می‌شد، هدف قرار داده‌اند که دست‌کم ۸۳ کشته بر جای گذاشته است. آمریکا همچنین بزرگ‌ترین ناو هواییمابر جهان به نام «یو اس اس جرالند فور» را همراه با ناوها و جنگنده‌های خود در منطقه کارائیب مستقر کرده و رسماً آن را بخشی از عملیات ادعایی خود در مبارزه با مواد مخدر اعلام کرده است.

نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، این اقدام را محکوم کرده و آن را تهدیدی در راستای سرنگونی خود و تصاحب ذخایر نفتی کشور دانسته است.

آگهی موضوع مادهٔ ۳ قانون و مادهٔ ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع مادهٔ ۳ قانون و مادهٔ ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۰۹۶۶۹/۳۰۹۰۱۰۴۶۰۳۰۱۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ کلاسه ۱۵۱/۹۰۰۰۰۱۱۴۴۰۱۴۰۴۰۱۴۴۰۱۴۰۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی شرکت مه تاب طناب قزوین سهمای خاص به شناسنامه شماره کدملی ۰۸۶۱۴۴۱۴۱۰درششدانگ یک باب ساختمان کارگاه به مساحت ۱۱۸۳/۶۸ مترمربع پلاک شماره ۴۴۸فرعی از ۵۹ اصلی واقع در قزوین بخش ۸ شهرک صنعتی لب‌آه حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تأیید گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته

باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شعبان عسگری

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک قزوین

شناسه آگهی: ۲۵۹۶۴۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶

طرح اولیه با مشکلات اساسی مواجه بود. متن آن مملو از تناقض‌ها، ابهامات و مشکلات بود که عدم برخورداری از تخصص حقوقی یا دیپلماتیک را آشکار می‌کرد

اتحادملت - گروه ین‌الملل - عاطفه عبداللهی‌ژاد: در تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۲۵، دن دریسکول، وزیر ارتش ایالات متحده، یک طرح صلح ۲۸ ماده‌ای ارائه داد که به‌عنوان جامع‌ترین تلاش برای پایان دادن به جنگ میان روسیه و اوکراین تا آن زمان شناخته شد. اگرچه منشأ دقیق این طرح و نویسنده اصلی آن مشخص نیست، شواهد نشان می‌دهد که این پیش‌نویس حاصل مذاکرات میان کریل دیمیتریف، نماینده روسیه، استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ایالات متحده، و جرد کوشنر، داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا بوده است. این مذاکرات ساختارهای سنتی دولتی ایالات متحده را تا حد زیادی دور زده و بدون دخالت نهادهای رسمی انجام شده بود.

طرح اولیه با مشکلات اساسی مواجه بود. متن آن مملو از تناقض‌ها، ابهامات و مشکلات بود که عدم برخورداری از تخصص حقوقی یا دیپلماتیک را آشکار می‌کرد.

همچنین برخی بخش‌های طرح به نظر می‌رسید که مستقیماً از زبان روسی ترجمه شده باشند. در عین حال، برخی دیگر از مواد آن برگرفته از طرح ۲۰ ماده‌ای آتش‌پس غزه بودند که به یک درگیری کاملاً متفاوت مربوط می‌شد.

مشخص نبودن وضعیت حقوقی طرح (که هم به عنوان «یادداشت تفاهم» و هم به عنوان یک سند «الزام‌آور قانونی» تلقی شده بود)، به ابهام در روند آن افزوده بود. علاوه بر این، مفاد طرح به وضوح به نفع مسکو تنظیم شده بود؛ چراکه نه تنها زمین‌های بیشتری از اوکراین به روسیه واگذار می‌شد، بلکه این کشور دسترسی کامل به اقتصاد جهانی را دوباره به دست می‌آورد و از معافیت‌هایی برای جنایات جنگی خود بهره‌مند می‌شد.

از طرف دیگر کشورهای اروپایی، بدون حضوری در مذاکرات، با محدودیت‌های قابل توجهی روبرو می‌شدند. آنها نه تنها ملزم به کاهش تحریم‌ها بودند، بلکه باید دارایی‌های مسدود شده روسیه را که در سیستم‌های مالی اروپا نگهداری می‌شد، به ایالات متحده واگذار می‌کردند. همچنین استقرار نیروهای اروپایی در اوکراین منع شده بود. در این میان، اوکراین

نه تضمین امنیتی معتبر دریافت می‌کرد و نه توانایی حفظ یک ارتش بزرگ را داشت. در پی مذاکرات پرتنش میان آمریکا و اوکراین در ژنو در تاریخ ۲۳ نوامبر ۲۰۲۵، یک نسخه بازنگری‌شده با ۱۹ ماده تصویب شد که تغییرات جزئی نسبت به طرح اولیه داشت. با این حال، دو موضوع کلیدی همچنان بی‌پاسخ باقی مانده‌اند: قلمروی سرزمینی اوکراین و تضمین‌های امنیتی برای این کشور. این دو مسئله همواره محور اصلی اختلاف بوده‌اند. اگرچه ممکن است اوکراین برای کاهش تنش‌ها حاضر به پذیرش از دست دادن عملی برخی اراضی شود، اما این احتمال تنها در صورتی وجود دارد که تضمین‌های امنیتی معتبر برای جلوگیری از تجاوزات آینده دریافت کند. از سوی دیگر، روسیه نه تنها خواهان تصاحب اراضی بیشتر است (منطقه‌ای که بر اساس ادعاها تا حد ناچیز ۰.۷ درصد مساحت کشور را افزایش می‌دهد)، بلکه در تلاش است تا نفوذ کامل سیاسی و فرهنگی خود بر اوکراین داشته باشد. در چنین چارچوبی، مسکو با هرگونه تضمین امنیتی که منافع راهبردی‌اش را تهدید کند، مخالفت خواهد کرد.

۲۰۲۲ محور اصلی تمام مذاکرات صلح بوده است. اوکراین نمی‌تواند مطمئن باشد که در صورت اعمال یک توافق ناخوشایند توسط روسیه، رئیس‌جمهوری که چنین توافقی را امضا کرده است، حاضر باشد در آینده برای حفاظت از منافع اوکراین وارد جنگ شود. شرایط پایان جنگ به عواملی بستگی دارد که یکی از طرفین یا هر دو را به تغییر موضع وادار کند، چه از طریق ضعف نظامی، اقتصادی یا سیاسی. احتمال دستیابی به صلح پایدار تنها زمانی مطرح می‌شود که وضعیت یکی از طرفین به گونه‌ای غیرقابل بازگشت متزلزل شود.

در صورت مواجهه اوکراین با فروپاشی، ممکن است وارد مذاکره‌ای برای صلح شود که به طور موقت بحران حاضر را تخفیف دهد، اما در بلندمدت آسیب‌پذیری‌های عمیقی برده، این کشور ایجاد کند. از سوی دیگر، اگر روسیه تحت فشار جنگ و تحریم‌ها با یک بحران داخلی جدی روبرو شود، ممکن است ناچار

«اتحادملت» طرح ترامپ برای پایان دادن جنگ اوکراین را بررسی می‌کند

تناقض آشکار در طرح ترامپ



به بازنگری در اهداف خود درباره اوکراین بود. با این حال، در حال حاضر هیچ‌کدام از این سناریوها قریب‌الوقوع به نظر نمی‌رسد. اوکراین علیرغم چالش‌هایی که در میدان نبرد با آن روبرو شده، توان و قدرت خود را حفظ کرده و روحیه مقاومت در برابر تجاوز روسیه همچنان قوی است. بیشتر شهروندان اوکراینی به اهمیت مبارزه برای جلوگیری از آثار انسانی اشغال روسیه پی برده‌اند. هرچند فسادهای اخیر در دولت زلنسکی چهره آن را تا حدی لکه‌دار کرده، تا زمانی که این چالش‌ها تبدیل به بحران ملی نشوند، چنین مشکلاتی احتمالاً روند مقاومت اوکراین را متوقف نخواهند کرد.

در روسیه نیز، هرچند مشکلات اقتصادی انکارناپذیرند، اما هنوز تبعات جنگ و تحریم‌ها به سطحی نرسیده که کشور را به لبه بحران کامل برساند. افزایش کسری بودجه و وابستگی شدید به درآمدهای نفتی تنها بخشی از چالش‌هایی هستند که می‌توانند فشارهای داخلی را تشدید کنند. آمریکا نیز از طریق طرح‌های تحریمی و کمک‌های اطلاعاتی به اوکراین در هدف قرار دادن اقتصاد روسیه نقش ایفا می‌کند. با این حال، این تلاش‌ها تا کنون کافی نبوده تا روسیه را از مواضع خود عقب براند یا وارد بحران جدی کند.

دیپلماسی همچنان ادامه دارد. رهبران بین‌المللی مانند ویتکاف قصد دارند در روزهای آینده از مسکو دیدن کنند و احتمال سفر زلنسکی به واشینگتن نیز وجود دارد. اما رویکرد دولت ترامپ نسبت به گذشته کم‌رنج‌تر و غیرمتمرکزتر به نظر می‌رسد. در این میان، مقاوت روسیه در برابر ارائه هرگونه امتیاز و تمایل پوتین به بی‌اعتبار شمردن دولت اوکراین برای امضای توافق، مانعی جدی است.

هرچند اوکراین از طرح‌های صلح ایالات متحده قدردانی کرده، اما همچنان سعی دارد شرایط نامطلوب را از مذاکرات حذف کند. اگر این تلاش‌ها مانند موارد قبلی ناکام بماند، پرسش بزرگ باقی خواهد ماند: واکنش ترامپ چه خواهد بود و این شکست دیپلماسی چه پیامدهایی برای مناطق درگیر ایجاد خواهد کرد؟

این وضعیت سه پیامد کلیدی به همراه دارد که عمق پیچیدگی‌های دیپلماتیک و چالش‌های بازیگران اصلی در این جنگ را آشکار می‌کند:

آمریکا همچنان نقشی سلطه‌گرانه در دیپلماسی این جنگ ایفا می‌کند و شرایط مذاکره را به نوعی دیکته می‌کند. حتی زمانی که طرحی ناقص و ناپسمان ارائه می‌دهد، قدرت خود را مدیون نگرانی کشورهای دیگر از خصومت با ترامپ است. اوکراین و اروپا که از رویارویی مستقیم اجتناب می‌کنند، به جای «نه»، تنها می‌توانند «بله، اما...» بگویند. این موضوع آن‌ها را وادار به مشارکت در فرآیندی می‌کند که احتمال موفقیتش کم‌رنج به نظر می‌رسد.

در حالی که ترامپ نقش چندانی در آماده‌سازی این طرح نداشته، باز هم رویکرد ویژه‌ای را برای پایان دادن به جنگ پی گرفته است. روش مورد علاقه او، اعمال فشار بر اوکراین برای پذیرش شرایط آمریکاست. این بازگشت او به ایده‌های پیشین صلح‌طلبانه‌اش است که، با وجود شکست‌های گذشته و شواهد فزاینده سرخوردگی‌اش از پوتین (به‌ویژه پس از نشست ناکام آل‌اسکا در ماه آگوست)، همچنان بر آن پافشاری می‌کند.

از سوی دیگر، ضعف اتحادیه اروپا در این معادله به‌وضوح قابل مشاهده است. این قاره بیشتر از آنکه سیاست مستقلی را دنبال کند، محکوم به پذیرش واکنش‌های محافظه‌کارانه شده است. با وجود اینکه عمده‌ترین حامی اقتصادی و تسلیحاتی اوکراین محسوب می‌شود، در عرصه دیپلماتیک نقشی حاشیه‌ای ایفا کرده و فراتر از اصلاحات جزئی بر روی طرح صلح پیشنهادی آمریکا، ابتکار عمل دیگری در کارنامه ندارد. ناتوانی اروپا در دستیابی به توافق بر سر استفاده از منابع مالی بلوکه‌شده روسیه برای حمایت از اوکراین، فرصتی طلایی به آمریکا داده تا این منابع را برای بهره‌برداری در بازسازی‌های پساجنگ مطالبه کند. اگر اتحادیه اروپا نتواند تا ماه آینده طرح مشخصی تدوین کند، اوکراین احتمالاً طی دو سال آینده با یک کسری بودجه ۶۰ میلیارد دلاری روبه‌رو خواهد شد، موضوعی که توانایی ادامه کارآمد جنگ را برای این کشور به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد.

این سلسله تعاملات دیپلماتیک، سومین تلاش بزرگ بین‌المللی برای تنظیم مناسبات امنیتی میان روسیه و اوکراین به شمار می‌آید. تلاش‌هایی که پس از تفاهم‌نامه بوداپست (۱۹۹۴) و توافق‌نامه‌های مینسک (۲۰۱۴-۲۰۱۵) دنبال شده است. در تفاهم‌نامه بوداپست، اوکراین در ازای تضمین‌های حاکمیتی، سلاح‌های هسته‌ای خود را کنار گذاشت؛ اما روسیه بارها این تضمین‌ها را نقض کرد. توافق‌نامه‌های مینسک نیز به دنبال اولین تهاجم روسیه به اوکراین منجر به یک آتش‌پس کوتاه شد که آن هم دوام نیافت. حالا در دومین موج تهاجم روسیه، تلاش فعلی حتی به شکل بی‌نظم‌تر و نامیدکننده‌تری پیش می‌رود و امید چندانی برای دستیابی به راه‌حل پایدار باقی نمی‌گذارد. برای آینده‌ای این بحران، باید دید آیا بازیگران جهانی توانایی یافتن راهی برای خروج از این چرخه‌ی مداوم شکست‌ها و آشفتگی‌ها را خواهند داشت یا نه.



منیر شکل گرفت و توافقی‌های مهمی با آمریکا و کشورهای منطقه به امضا رسید.

مهم‌ترین نکته، تبدیل «دست پنهان» ارتش به «دست آشکار» است. ارتش اکنون قدرت خود را علنی کرده، در سیاست‌گذاری و نقش‌آفرینی می‌کند و دسترسی به نهادهای مدنی صرفاً برای مشروعیت‌سازی باقی مانده است. این روند، ضمن تثبیت سلطه ارتش، ریسک‌هایی هم دارد؛ تمرکز قدرت می‌تواند باعث تضعیف نهادهای مدنی، کاهش نظارت و آسیب‌پذیری ساختار حکومتی در بحران‌ها شود.

در نهایت، «مدل منیر» نشان می‌دهد که ارتش پاکستان نه تنها بازیگر پنهان نیست، بلکه هدایت کشور، سیاست خارجی، اقتصاد و سرمایه‌گذاری را مستقیماً در دست دارد و نهادهای مدنی صرفاً پوششی برای مشروعیت‌ظاهری هستند.

مسئول نتایج موفقیت‌ها و ناکامی‌ها خواهند بود. در سال ۲۰۲۲، عمران خان از نخست‌وزیری برکنار شد و دولت جدید شهباز شریف عملاً بر حمایت کامل ارتش تکیه داشت. انتخابات فوریه ۲۰۲۴ نیز این روند را تأیید کرد؛ حزب خان رسماً از شرکت در انتخابات منع شد، و کاندیداهای آن به صورت مستقل شرکت کردند اما نتوانستند دولت تشکیل دهند. ارتش با کنترل نهادهای امنیتی و قضایی، اثلافا‌ها و حوزه‌های صلاحیت مدنی را مدیریت می‌کند.

گزارش فارن افزر همچنین به جنگ کوتاه با هند در سال ۲۰۲۵ اشاره دارد؛ در این جریان، آمریکا برای پایان دادن به درگیری مستقیماً با ژنرال منیر مذاکره کرد که نشان‌دهنده سلطه ارتش پاکستان بر تصمیمات جنگ و صلح است. پس از آن، دیپلماسی اقتصادی و سرمایه‌گذاری تحت هدایت

سلطه آشکار ارتش و ظهور «مدل منیر»

کودتای نرم در پاکستان

ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، اکنون قدرت واقعی کشور را در دست دارد. نهادهای مدنی عملاً فاقد قدرت و تنها جنبه صوری دارند و مدل حکومتی جدید موسوم به «مدل منیر» ارتش را محور اصلی تصمیم‌گیری‌ها کرده است. به گزارش ایلنا، نشریه «فارن افرز» در گزارشی مفصل به انتقال واقعی قدرت در پاکستان پرداخته و از شکل‌گیری یک کودتای نرم خبر داده است؛ تحلی که طی آن ارتش، بدون اعلام رسمی کودتا، عملاً کنترل سیاست، اقتصاد و دیپلماسی کشور را در دست گرفته و نهادهای مدنی صرفاً جنبه صوری و نمایشی دارند.

بر اساس این گزارش، ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش، محور تصمیم‌گیری‌های کلیدی کشور شده و مدلی نوین از حکومت، موسوم به «مدل منیر»، شکل گرفته است که در آن ارتش به صورت علنی و رسمی در کنار دولت‌های مدنی عمل می‌کند و نقش نهادهای مدنی صرفاً نمایشی و ظاهری است.

دیدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و اشاره هم‌زمان به شهباز شریف و ژنرال عاصم منیر، نشان‌دهنده نفوذ واقعی ارتش و ژنرال منیر در عرصه سیاست پاکستان است. این اقدام ترامپ به وضوح تأیید کرد که قدرت واقعی کشور در دست ارتش قرار دارد، در حالی که نخست‌وزیر صرفاً نقش صوری و نمادین دولت را بر عهده دارد. پاکستان از زمان استقلال تاکنون بارها میان حکومت‌های مدنی و نظامی نوسان داشته است. آخرین کودتای نظامی کلاسیک در سال ۱۹۹۹ رخ